

## حقوق بشر و دادرسی عادلانه در قانون آیین دادرسی کیفری

### شهرام روشندل

دانشجوی مقطع دکتری تخصصی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد ایت الله املی

#### چکیده

حقوق کیفری در سیر تحولاتی که داشته است، از مرحله جرم‌مداری، به مرحله مجرم‌مداری و سپس، بزه‌دیده‌مداری در حرکت بوده است. در مرحله مجرم‌مداری، به حمایت از حقوق متهمان در پرتو موازین دادرسی عادلانه و منصفانه تمرکز داشته و پس از تضمین نسبی این حقوق، وارد مرحله بزه‌دیده‌مداری گردیده است. نظام حقوق کیفری ایران نیز، کم و بیش، این سیر تحولات را به خود دیده است، لیکن در این نظام حقوقی، قبل از اینکه حقوق متهمان و به طور دقیق‌تر، مظنونان، متهمان و محکومان بی‌گناه به نحو مطلوب تضمین گردد، به صورت همزمان حقوق بزه‌دیدگان مورد توجه قرار گرفته است. نوشتار پیش‌رو، با در نظر گرفتن این مسئله و با توجه به ضعف رویه قضایی ایران در به اجراگذاری مفاد اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۵۸ ق.م.ا سابق مصوب ۱۳۷۰، به بررسی این مهم پرداخته است و فرایند عملی خسارت‌زدایی از «شهروندان ناکرده بزه، ولی مظنون و متهم» و آثار مترتب بر آن را در نظام دادرسی کیفری حال و آینده (وفق قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) مورد بررسی و تحلیل انتقادی قرار می‌دهد. تغییرات تقنینی شکلی و ماهوی در سال ۱۳۹۲، ناهماهنگی‌هایی را در ارتباط با فرایند جبران خسارت از بزه‌دیدگان قضایی موجب گردیده، به گونه‌ای که باید مفاد ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ را نسخ شده دانست پژوهش حاضر با هدف حقوق بشر و دادرسی عادلانه در قانون آیین دادرسی کیفری طراحی و تدوین مراجع رسیدگی کیفری در موقعیت و جایگاه حساسی قرار دارند و همین موضوع، اهمیت فرایند دادرسی عادلانه کیفری را دوچندان می‌کند. فرایندی که برای دستیابی به حقیقت و عدالت واقعی، نیازمند رویارویی طرف‌های دعوی است. همین رویارویی، تضمین‌کننده اولیه بی‌طرفی است و بدون آن، تحقق عدالت واقعی امکان‌پذیر نیست. در نظام عدالت کیفری ایران، برخی معیارها و ضوابط دادرسی عادلانه، نظیر فرض برائت‌دارای قدمتی طولانی هستند؛ اما برخی دیگر، نظیر لزوم اطلاع‌رسانی به متهم و خانواده وی، اعلام حق سکوت، اعلام حق داشتن وکیل، لزوم معقول بودن مهلت بازداشت و... چندان مورد توجه مقنن واقع نشده‌اند. به دلیل کاستی‌ها و نواقص آیین دادرسی کیفری در کشورمان، اخیراً در سال ۱۳۹۲ قانون جدیدی به تصویب رسیده است. نتایج حاصل از اجرای آن، در جهت تضمین حقوق و منافع طرف‌های دعوی است. هر چند ممکن است آثار منفی محدودی هم داشته باشد ولی راهکار رفع این آثار منفی هم

مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه

Online ISSN: ۲۴۷۶-۴۴۶۹

دوره ۸، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۱

Print ISSN: ۲۵۳۸-۲۰۳۹

صفحات ۳۷۵-۳۵۶

www.irijournals.com

وجود دارد و اصولاً دادرسی عادلانه و واقعی در پرتو عمل به آن، امکان پذیر است. در ضمن بر این اصل، استثنائاتی بنا بر وجود مصالحی خاص، وارد شده است.

**واژه‌های کلیدی:** حقوق بشر، دادرسی عادلانه، قانون، آیین دادرسی کیفری

---

## مقدمه

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام دادرسی کیفری در ایران به تبعیت از حقوق فرانسه بر پایه نظام دادرسی مختلط شکل گرفته بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، سعی بر این شد که کلیه امور قضایی، فرهنگی، سیاسی و غیر این ها بر مدار فقه اسلامی قرار گیرد. به ویژه کوشش به عمل آمد تا قضاء و دادرسی به صورت کاملاً اسلامی درآید و از اعمال و اجرای قوانین خلاف شریعت مقدس اسلام پرهیز شود. طبق اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت و تشریح از آن پروردگار است و وحی الهی در بیان قوانین نقش بنیادی دارد. و همچنین براساس اصل چهارم همین قانون کلیه قوانین و مقررات مدنی و جزایی باید براساس موازین اسلامی باشد. و براساس اصل (۱۶۳) صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌گردد. و بر طبق اصل (۱۵۸) کشف جرم، تعقیب، مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون اسلامی و اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین از وظایف قوه قضائیه می‌باشد.<sup>۱</sup>

بنابراین با توجه به اصول متعدد قانون اساسی و لزوم انطباق کلیه قوانین و مقررات کشور با موازین شرع و انطباق قوه قضائیه با نظام قضاء اسلامی، قانونگذار ایرانی دچار آشفتگی و سرعت در قانونگذاری شد و قوانین متعددی در زمینه سازمان قضایی مراجع بدوی و تجدیدنظر به تصویب رساند. در همین راستا در سال ۱۳۷۳ با تصویب قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب به بهانه هرچه اسلامی تر کردن دادرسی و مراجعه مستقیم به قاضی، نهاد نود ساله دادسرا از سیستم قضایی حذف شد و کلیه مراحل پنج‌گانه دادرسی کیفری در اختیار شخص واحدی به نام قاضی دادگاه قرار گرفت.<sup>۲</sup> در سال ۱۳۷۸ نیز قانون آیین دادرسی کیفری متناسب با این سیستم به تصویب رسید. اما به زودی معایب بی‌شمار نظام قضایی بدون دادسرا و مراجعه مستقیم به قاضی، که باعث تراکم بیش از حد پرونده‌ها در دادگستری گردید، سبب شد تا در سال ۱۳۸۱ با اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب، دادسرا مجدداً احیا گردید و به دلیل اهمیت این قانون گاه از آن به عنوان قانون «احیای دادسرا» نیز نام برده می‌شود. بنابراین با تصویب این قانون مجدداً نظام مختلط (دادسرا-دادگاه) مورد اقبال مقنن قرار گرفت.<sup>۳</sup>

هرچند برخی از حقوقدانان معتقدند، که قانونگذار با تصویب مواردی همچون اختیار دادستان در انتخاب قاضی تحقیق و حق تحقیق و رسیدگی مقدماتی در تعداد زیادی از جرایم، محرومیت وکیل از مداخله در جریان تحقیقات مقدماتی و حتی محرومیت از حضور در برخی جلسات تحقیق (آنجا که قاضی تشخیص می‌دهد)، عدم پیش‌بینی حق سکوت برای متهم، ضابطه‌مند نبودن بازجویی از متهم، مبهم بودن وضعیت شخص تحت نظر در مدت بازداشت، غیر ترافی بودن تحقیقات، عدم شناسایی حق مطالعه پرونده توسط وکیل متهم و ... نظام دادرسی کیفری ایران را از نظام مختلط به سمت نظام دادرسی تفتیشی سوق داده است.<sup>۴</sup> اما برخی از حقوقدانان معتقدند، که این نظر نمی‌تواند صحیح باشد، چرا که نظام دادرسی ایران با پذیرفتن تفکیک مرحله تحقیق از مرحله دادرسی گرایش به سمت نظام دادرسی مختلط پیدا کرده است. اما در مرحله تحقیق از تحولات جهانی در زمینه حقوق بشر و حقوق متهم که بیشتر در این مرحله شاهد تحولات بسیار زیادی در حقوق کشورهای مختلف شده است، عقب مانده و متناسب با آن به اصلاح مقررات آیین دادرسی کیفری اقدام ننموده است. به بیان دیگر «بیشترین و مهم ترین تغییرات نظام مختلط، در ویژگی تفتیشی بودن مرحله تحقیقات مقدماتی صورت گرفته است و این امر

۱ - هاشمی، سید محمد (۱۳۹۲)، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ص ۱۴۲

۲ - امید، جلیل، پاییز ۱۳۸۹، حقوق بشر در دعوی کیفری بر اساس اسناد بین المللی و منطقه ای، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره ۲۹، ص ۱۲

۳ - حاتمی، علی اصغر، پاییز ۱۳۷۶ و بهار ۱۳۷۷، خسارت معنوی و شیوه های جبران آن در حقوق ایران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۲۵ و ۲۶، ص ۱۷۴

۴ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۱)، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ دوم، ص ۱۹

به ویژه در پرتو تصویب اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق بشر پس از پایان جنگ جهانی دوم عملی شده است، اسنادی که در جهت تضمین حقوق دفاعی متهم در جریان تعقیب و محاکمه تنظیم شده‌اند»<sup>۵</sup>

آقای علی لاریجانی رییس مجلس شورای اسلامی طی نامه شماره ۱۶۵۲/۹۹ مورخ ۲۰ فروردین ۱۳۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری را برای اجرا به رییس جمهور ابلاغ کرد. رییس جمهور هم طی نامه شماره ۳۲۳۲ مورخ اول اردیبهشت ۱۳۹۳ این قانون را برای اجرا به وزیر دادگستری ابلاغ نمود. و نهایتاً این قانون در ویژه نامه قوانین شماره ۶۷۶ روزنامه رسمی شماره ۲۰۱۳۵ سال هفتماد چهارشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۹۳ منتشر شد. با وجود سپری شدن زمان مقرر برای اجرای این قانون اخباری مبنی بر تعویق اجرای قانون آیین دادرسی کیفری جدید منتشر می‌شد؛ ولی هیچ اطلاعاتی در مورد مبنای حقوقی و قانونی تعویق در اجرای قانون عنوان نمی‌شد.<sup>۶</sup> هر چند شورای نگهبان در ۳۳ مورد ایرادات مرحله نخست به طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی به ماده ۱۳۹ آن ایرادی نگرفته بود ولی کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی در اصلاحات انجام شده در مرحله دوم مصوب ۱۹ مرداد ۱۳۹۳ که طی نامه شماره ۲۰۱/۳۹۷۷۵ مورخ ۱۲/۶/۱۳۹۳ برای بررسی مجدد به شورای نگهبان ارسال شده بود، این ماده را هم اصلاح نمود، کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی در این مرحله با در نظر گرفتن اشکال ناشی از فاصله زمانی بین تصویب دو بخش قانون آیین دادرسی کیفری جدید شامل موادی که طی لایحه آیین دادرسی کیفری به تصویب رسیده بود و موادی که در قالب این طرح در جریان تصویب بود، تاریخ اول تیر ۱۳۹۴ را برای لازم الاجرا شدن مجموعه قانون آیین دادرسی کیفری جدید در نظر گرفت. اعمال این تغییر و تصریح تاریخ اول تیر ۱۳۹۴ در ماده ۱۳۹ را باید با در نظر گرفتن انتشار خبر رایزنی رییس قوه قضائیه با اعضای کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی در مورد تعویق زمان اجرای قانون آیین دادرسی کیفری در جلسه روز ۲۲ تیر ۱۳۹۳ اعضای این کمیسیون با رئیس قوه قضائیه، مورد توجه قرار داد.<sup>۷</sup> قانون آیین دادرسی کیفری "جدید" شامل قانون ۵۷۰ ماده ای آیین دادرسی کیفری مصوب ۴ اسفند ۱۳۹۲ کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس شورای اسلامی به انضمام مواد ۵۷۱ تا ۷۰۹ الحاقی به آن طی طرح ۱۳۹ ماده ای با عنوان "آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی" مصوب ۸ مهر ۱۳۹۳ این کمیسیون است. زمان لازم الاجرا شدن این قانون جدید، اول تیر ۱۳۹۴ بود.<sup>۸</sup>

این قانون علاوه بر نکات بسیار مثبتی که در آن وجود دارد، ولی همچنان برخی از کاستی‌های نظام دادرسی عادلانه را به يدک می‌کشد. از جمله نواقص این قانون که ضوابط، معیارها و اصول مدون در اسناد بین‌المللی را رعایت نموده است، می‌توان به افزایش اختیارات رییس قوه قضائیه در قلمرو اعاده دادرسی، افزایش اختیارات دادستان کل کشور، افزایش اختیارات ضابطان دادگستری (که برطبق قانون جدید از اجزای دادرسی شناخته شده‌اند)، افزایش اختیارات دادستان‌ها و به ویژه قاضی اجرای احکام کیفری، کاهش موقعیت دیوان عالی کشور که عالی‌ترین مرجع قضایی کشور به شمار می‌آید، و نیز اختیاری شدن تشریفات آیین دادرسی کیفری اشاره کرد، که به شدت می‌تواند حقوق اصحاب دعوای کیفری از جمله حقوق متهم را به خطر اندازد.<sup>۹</sup> به عنوان مثال به موجب تبصره ماده ۴۵۵ قانون مذکور «عدم رعایت تشریفات دادرسی موجب نقض رای نیست، مگر آنکه تشریفات مذکور به درجه‌ای از اهمیت باشد، که موجب بی‌اعتباری رای شود.» مشخص نیست، که معیار و ضابطه تشخیص این درجه از اهمیت چه چیزی می‌باشد. با عدم اجباری بودن اجرای تشریفات آیین دادرسی کیفری مواردی همانند اخذ تأمین

۵ - اشوری، محمد. (۱۳۹۳). آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات سمت، ج ۲۱ ص ۷۴

۶ - امید، جلیل. ۱۳۸۷، قواعد تفسیر قوانین جزایی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، پاییز شماره ۴۱ ص ۶۵

۷ - اشوری، محمد. (۱۳۹۲). عدالت کیفری: مجموعه مقالات، نشر دادگستر ص ۹۴

۸ - بابایی، محمدعلی، افراسیابی، علی، بهار ۱۳۹۸، حق برخورداری متهم از وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۱۳ ص ۳۳

۹ - اخوندی، محمود (۱۳۹۴)، آیین دادرسی کیفری (نَدیشه‌ها)، جلد ۲، چاپ ۱، تهران: انتشارات مجد ص ۱۲۳

نامتناسب و غیرقانونی از متهم، بازداشت ناروای متهم، تحصیل ادله به صورت غیرقانونی و یا عدم توجه به ادله، بازجویی بی جهت از متهم، بازرسی بی جهت از منازل و محیط شخصی و اسناد و مدارک متهم و عدم تفهیم اتهام و... اگر از درجه ای از اهمیت که در رای تاثیر گذار باشند، شناخته نشوند، رای صحیح و از لحاظ قانونی معتبر خواهد بود<sup>۱۰</sup>.

و یا بر اساس تبصره ۲ ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر می دارد: «هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افافه تعقیب و دادرسی متوقف می شود، مگر آنکه ادله اثبات جرم به نحوی باشد، که فرد در حالت افافه نیز نمی توانست از خود رفع اتهام کند. در این صورت به ولی یا قیم وی ابلاغ می شود که ظرف پنج روز نسبت به معرفی وکیل اقدام کند. در صورت عدم معرفی، صرف نظر از نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات آن، وفق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین می شود و تعقیب و دادرسی ادامه می یابد.» که بر این اساس می توان متهم مجنون را بدون توجه بر حقوق دفاعی خود فرد، مورد محاکمه قرار داد. براساس اسناد بین المللی سالیان درازی است، که محاکمه متهمی که مجنون می باشد، ممنوع شناخته شده است.<sup>۱۱</sup>

در تبصره ۲ ماده ۱۹۰ مقرر شده است که «در جرائمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است، چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید، بازپرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب می کند.» یعنی اگر متهمی اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی نکند، بازپرس مکلف است که برای او وکیل تسخیری انتخاب کند، البته اگر جرایم از زمره جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد، بازپرس قرار عدم دسترسی به وکیل را صادر می کند؛ که این می تواند حقوق دفاعی متهم را در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی نقض نماید.<sup>۱۲</sup>

با توجه بر اینکه این قانون به تازگی به مرحله اجرایی رسیده، ضروری است که این قانون بسیار مهم و تاثیرگذار با توجه بر اسناد بین المللی در خصوص حقوق عمومی و اختصاصی متهم در فرآیند دادرسی کیفری مورد بررسی و تحلیل اساسی قرار گیرد.<sup>۱۳</sup>

می توان گفت که حق دادرسی عادلانه از جمله مفاهیم حقوقی بسیار مهم در قدیم الایام تا کنون در حلق داخلی و اسناد بین المللی بوده است اساساً رسیدن حق و احقاقی از جمله مهمترین شاخصی بوده که بشریت همیشه در طول تاریخ دنبال آن بوده است و از طرف دیگر همچنان که در تاریخ می بینیم اولین قانون مدون به نام قانون حمورابی برای احقاق حق تدوین می گردد تا از این طریق مظلوم مورد ظلم بیشتر قرار نگیرد یا به عبارت امروزی بزه دیدگی مکرر ایجاد نشود و هر فرد به حقوق مادی و معنوی خود برسد. توجه به حقوق متهم و شاکی از موضوعات مهم در عرصه حقوق موضوعه و بین المللی تلقی می شود.<sup>۱۴</sup> این مسأله به صورتی دقیق در سیستم قانونگذاری اسلامی بر مبنای اصل کرامت انسان و اصل عدالت و امنیت مورد توجه خاص قرار گرفته است.<sup>۱۵</sup> قرآن کریم در این زمینه می فرماید «خداوند برای شما شهری را الگو معرفی کرده که در آن امنیت بسیار حکمفرما بود و مردم آن در آسایش و اطمینان زندگی می کردند و از هر جانب روزی فراوان به آنان می رسید»<sup>۱۶</sup> بی گمان تحقق عدالت و اجرای حق در جامعه با توجه به پیوند وثیق آن با مقوله تأمین امنیت قضایی شهروندان همواره از دغدغه های اجتماعی پیشوایان آسمانی و نیکاندیشان عالم بوده است. خداوند متعال در بیانی بلیغ به اجرای حق در امر قضاوت فرمان داده،

۱۰ - انصاری، ولی الله (۱۳۹۱) حقوق تحقیقات جنایی، تهران: انتشارات سمت، ج ۶ ص ۵۸

۱۱ - امیدی، جلیل (۱۳۹۳)، حقوق دفاعی متهم، در علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از اسناد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، چاپ نخست، ص ۸۶

۱۲ - آشوری، محمد، (۱۳۸۹) عدالت کیفری از دیدگاه حمورابی، تهران: نشریه مؤسسه تطبیقی، ج نهم ص ۹۳.

۱۳ - صادقی، هادی، (۱۳۸۸)، «حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)»، نشر میزان، تهران، چاپ نهم، ص ۹۴

۱۴ - شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۹۳)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان، ص ۸۲

۱۵ - نورپناه، رضا (۱۳۸۳)، حقوق جزایی و عدالت کیفری، علوم جنایی (مجموعه مقالات...)، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران، ص ۳۱۲

۱۶ - یوسفی، مرافقه، مهدی (۱۳۹۱) خدمات رسانی به بزه دیدگان، تهران، چاپ اول، انتشارات جاودانه، جنگل، ص ۱۰۱

می‌فرماید «چون بین مردم حاکم شوید به عدالت داوری کنید»<sup>۱۷</sup>. امیرمؤمنان در ضرورت امارت برای حفظ حق و امنیت در خطبه ۴۰ نهج‌البلاغه می‌فرماید «برای مردم حاکمی لازم است، چه نیکوکار و چه بدکار، که مؤمن در عرصه حکومت او به راه حقش ادامه دهد و کافر بهره‌مند از زندگی گردد. راه‌ها به سبب او امن گردد و در امارت وی حق ناتوان از قوی گرفته شود تا مؤمن نیکوکار راحت شود و مردم از شر بدکار در امان گردند».

متهم از جهت اینکه جرم او ثابت نشده و در مظان اتهام قرار دارد از حقوقی برخوردار است که ریشه در قوانین مدون دولت‌ها و جدال سلیم انسان‌ها دارد. لذا فرض قرار دادن حقوق برای متهم از اصول اساسی قوانین کیفری ملی و بین‌المللی است<sup>۱۸</sup>.

### مفهوم حق در علم حقوق

در علم حقوق، از حق تعاریف متعددی شده که به نظر حقوق‌دانان این تعدد تعاریف، ناشی از اختلاف‌نظر درباره مبنا و منشأ حق است. حقوق‌دانان حق را از جهات مختلف به اقسام گوناگون تقسیم کرده‌اند. پاره‌ای از این تقسیم‌بندی‌ها در فقه اسلامی کم‌سابقه یا بی‌سابقه است، مانند تقسیم به حق عینی و دینی و نیز حق مطلق و نسبی.

### تعریف حقوق متهم

حقوق متهم در مرحله کشف جرم عبارت است از اقدام‌هایی که پس از اطلاع از وقوع جرم برای حفظ آثار و دلایل موجود، دستگیری متهم و جلوگیری از فرار وی و نیز جمع‌آوری اطلاعات مربوط به بزه ارتکابی انجام می‌شود.<sup>۱۹</sup>

### انواع نظام‌های دادرسی

#### نظام دادرسی اتهامی

از لحاظ تاریخی، نظام دادرسی اتهامی اولین و قدیمی‌ترین شیوه دادرسی کیفری به شمار می‌آید. آثار این نظام را هم در «قدیمی‌ترین تمدن‌های خاورمیانه (سومر و بابل) می‌توان یافت». و هم «این روش در یونان و روم باستان، حقوق ژرمنی و در فرانسه در دوران فرانک و عهد فئودال وجود داشته است».<sup>۲۰</sup> دادرسی اتهامی «در زمان‌های گذشته تقریباً در کلیه کشورهای اروپایی معمول بوده و یک روش دادرسی عمومی محسوب می‌شده است». در دوره‌های بعد این نظام دادرسی «در کشورهای آلمان، ایتالیا و اتحاد جماهیر شوروی سابق که مبتنی بر نظام استبدادی بودند به منصفه ظهور رسید». پایه و اساس نظام دادرسی اتهامی بر قصاص و انتقام شخصی مبتنی بوده است.<sup>۲۱</sup> «در ادبیات مربوط به تاریخ حقوق کیفری، خودیاری یا دادگستری خصوصی و انتقام به آن دوره از زمان حیات بشری اطلاق می‌شود، که جامعه سازمان یافته و دولت و به تبع آن جرم و مجازات به معنای امروزی وجود نداشت و یا تعداد آن بسیار محدود بود». در دوره دادگستری خصوصی هرچند قانون و مقرراتی جز در برخی جوامع و نمونه‌های معین تاریخی مثل قوانین حمورابی وهیتی‌ها به شکل امروزی وجود نداشت، اما مهمترین مجوز یا مستمسک برای انتقام جویی همانا تجاوز به منافع فردی یا خانوادگی و نهایتاً گروهی یک فرد یا قبیله معین

۱۷- (سوره نسا، آیه ۵۸)

۱۸- حاشمی، سید محمد (۱۳۹۲)، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ص ۱۵۳

۱۹- حاجی تبار فیروز رجائی، حسن (۱۳۹۱) بزه دیده شناسی حمایتی افتراقی، انتشارات جنگل، چاپ اول، تهران، ص ۶۵۳

۲۰- صادقی، هادی، (۱۳۸۸)، «حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)»، نشر میزان، تهران، چاپ نهم، ص ۹۶

۲۱- سرکشکیان، سید محمدحسین و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸)، عدم تفاهم سلامتی در طرح امنیت اجتماعی: از مجموعه مقالات کارگروه رویکرد چند نهادی به پیشگیری از جرم، معاونت آموزشی ناجا، ص ۱۴

بود. بنابراین عموم جرایم به مفهوم امروزی اقدام علیه منافع فردی یا خانوادگی تلقی می‌گردیدند و واجد جنبه عمومی نبودند.<sup>۲۲</sup> به همین دلیل هدف از مقابله با مرتکب دفاع از ارزشهای خانوادگی، جبران خسارت یا انتقام گرفتن از مرتکب به منظور ترضیه و تشفی خاطر مجنی علیه یا زیان دیده از جرم یعنی بزه دیده بوده است. «نظام اتهامی به طور اصلی پاسخگوی این تفکر است که دعوی تنها مبارزه‌ای است که به شکلی تشریفاتی تنظیم گردیده و نزد شاهی بی طرف و منفعل یعنی قاضی که نقش او تنها اعلام حق یا تایید موضع یکی از طرفین می‌باشد جریان می‌یابد». ذیلاً به مهم ترین ویژگی‌های این نظام و ادله اثبات دعوی حاکم بر آن و همچنین جایگاه تحقیق کیفری در آن می‌پردازیم:

#### الف. ویژگی‌های نظام اتهامی

ویژگی نخست، لزوم طرح شکایت بزه دیده برای محاکمه و مجازات مرتکب بود. زیرا در این دوران هنوز تحت تاثیر ایده انتقام، که آیین دادرسی کیفری فقط به تنظیم آن می‌پرداخت، جامعه حقی مستقل از بزه دیده برای خود قائل نبود و مجازات جنبه جبران خسارت داشت.<sup>۲۳</sup> در واقع در این نظام «مقام و مرجعی وجود نداشت که عهده‌دار تعقیب جرایم باشد. قاعده معروف و قدیمی «در صورت فقدان شاکی قاضی حق دخالت ندارد»، به وضوح حکایت از نقش بزه دیده از جرم در تعقیب بزه‌کاران در نظام اتهامی دارد» در این نظام، برای جلوگیری از طرح شکایت‌های ناروا، شاکی را سوگند می‌دادند که از دعوی خود تا پایان محاکمه صرف نظر نکنند والا به مجازات اتهامی که به دیگری وارد آورده یا حسب مورد، به مجازاتی دیگر محکوم می‌شد.<sup>۲۴</sup> این ویژگی از معایب مهم این نظام به شمار می‌آید. «زیرا در بسیاری موارد جرایمی اتفاق می‌افتد که ممکن است، شخص شاکی به جهت ترس یا به دلایل دیگری، اقامه دعوی نکند. فلذا بسیاری از جرایم بدین جهت از دید قاضی پنهان می‌ماند و مورد رسیدگی قرار نمی‌گیرند. به همین جهت در سال‌های اخیر در کشورهای تابع نظام اتهامی مثل انگلستان، آمریکا و غیره، یک قاضی را به عنوان قاضی سلطنتی مشخص نموده‌اند، که در مورد جرایم عمومی وظیفه تحقیق را به عهده دارد».<sup>۲۵</sup>

ویژگی دوم، علنی بودن دادرسی است. به این معنا که محاکمه در محل‌های بزرگ و شناخته شده شهر، صورت می‌گرفت تا هرکس مایل باشد، در جلسه محاکمه شرکت کند. منعی برای حضور مردم وجود نداشت، هرکس می‌توانست جریان رسیدگی را از نزدیک مشاهده نماید. در روم قدیم محاکمات در بازار عمومی شهر صورت می‌گرفت. در حقوق اسلام نیز حقوقدانان مسلمان معتقدند که قاضی باید در موضع نمایان یعنی جایی که بدون در و دیوار باشد مثل مکانی وسیع بنشیند تا این که رسیدن به او آسان باشد. امروزه یکی از اصول مهم دادرسی منصفانه، اصل علنی بودن دادرسی است. به همین جهت یکی از محاسن این نظام همین علنی بودن دادرسی شمرده شده است.<sup>۲۶</sup>

ویژگی سوم، شفاهی بودن محاکمه است. به این معنا که مطالب هریک از دو طرف به صورت شفاهی ابراز می‌شد و این مطالب و دلایل اتهام یا دفاع به صورت کتبی و در پرونده‌ای برای دادرسی مضبوط نمی‌گردید، بلکه «قاضی می‌تواند براساس شنیده‌های شاکی و دفاع توسط متهم در جلسه دادگاه رسیدگی و مبادرت به صدور حکم نماید».<sup>۲۷</sup>

ویژگی چهارم، توافقی بودن دادرسی بود. دادرسی کیفری همچون یک دادرسی حقوقی بود که شاکی و متهم در جایگاه خواهان و خوانده قرار داشتند، شاکی دلایل خود را ابراز می‌داشت و متهم در موقعیتی برابر با او و با اطلاع از دلایل طرف مقابل

۲۲ - شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۹۲)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان، ص ۱۳۳

۲۳ - امیدی، جلیل، زمستان ۱۳۸۹، حقوق متهم در دادگاه یا تکیه بر اسناد بین المللی و منطقه ای مربوط به حقوق بشر، مجله کانون وکلان، شماره ۱۷۱، ص ۷۷

۲۴ - شمس ناتری، محمد ابراهیم (۱۳۹۳)، اصل برائت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران: سمت، ص ۱۴۷

۲۵ - صادقی، هادی، (۱۳۸۸)، «حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)»، نشر میزان، تهران، چاپ نهم، ص ۶۵

۲۶ - شری، عباس (۱۳۸۵)، فرآیند عدالت ترمیمی، مطالعات پیشگامی از جرم‌چاپ اول، تهران: میزان، ص ۱۳۳

۲۷ - شیخ‌الاسلامی، عباس و جمعی از نویسندگان (۱۳۹۰)، جایگاه یافته های جرم شناسی در تحولات نظام قضایی کیفری ایران، از: علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد آشوری)، چاپ ۴، تهران: انتشارات سمت، ص ۵۵

خود، به رد دلایل اتهامی می‌پرداخت و قاضی با ملاحظه نبرد قضایی طرفین، در پایان حکم خود را صادر می‌کرد. بنابراین «حق دفاع متهم در این نظام به خوبی تضمین گردیده است. به همین جهت این مشخصه نیز از محاسن و امتیازات نظام دادرسی اتهامی است».<sup>۲۸</sup>

ویژگی پنجم، عدم استفاده از قضات حرفه‌ای بود. شخصی که به موضوع اتهام رسیدگی می‌کرد، یک قاضی حرفه‌ای نبود و اطلاعات قضایی ویژه‌ای در امور دادرسی کیفری نداشت. در حقیقت متهم به وسیله افراد عادی که هم طبقه خود او بودند، مورد محاکمه و مجازات قرار می‌گرفت.

ب. ادله اثبات دعوی در دادرسی اتهامی

۱. قسامه: شهادت شهود، اقرار و سوگند مهم ترین ادله اثبات دعوی در نظام دادرسی اتهامی به شمار می‌آیند. قضات رومی پس از انقراض روم غربی در قرن پنجم میلادی مدت‌ها اصل براهت متهم را نمی‌پذیرفتند و بنابراین متهمان ناگزیر بودند بی‌گناهی خود را اثبات کنند. در غیر این صورت پس از غسل و تطهیر باید بر بی‌گناهی خود سوگند یاد می‌کردند.<sup>۲۹</sup> سوگند مذکور در پاره‌ای موارد کافی به نظر نمی‌رسید و ناگزیر متهم به قسامه متوسل می‌شد. به این ترتیب که تعدادی از افراد با متهم هم قسم شده، حسن شهرت و تقوای او را مورد تایید و تاکید قرار می‌دادند تا متهم براهت حاصل کند. تعداد کسانی که برای قسامه لازم بود برحسب زمان و مکان و نوع اتهام متفاوت بود و گاهی به ۷۲ تن می‌رسیدند. برای مثال در فرانسه در دوره سلطنت کارونژیها در مورد اتهام به سرقت گله و فقدان دلیل کافی برای اثبات این اتهام، لازم بود که متهم بر بی‌گناهی خود سوگند یاد کرده، ۱۲ تن نیز با وی هم قسم شوند تا از جرم مورد اتهام تبرئه شود. موقعیت اجتماعی متهم نیز در تعیین تعداد قسم‌ها موثر بود. چنانکه شاهزاده «فرد گوند» که از سوی همسرش متهم به زنا شده بود، نه فقط بر بی‌گناهی خود قسم خورد، بلکه ۳۰۰ تن دیگر از دولتمردان نیز با او هم قسم شده و او را از اتهام زنا میرا دانستند، تا مورد عفو پادشاه قرار گیرد.<sup>۳۰</sup>

۲. اوردالی و دوئل: اوردالی عبارت از دلیل قضایی است، که تحت عنوان داوری ایزدی به ویژه در قرون وسطی متداول بود. در واقع در صورتی که متهم نمی‌توانست ادله‌ای از قبیل شهود یا قسامه اقامه کند، سوگند وی به تنهایی کافی نبوده و ناگزیر باید به آزمون‌های سنتی (اوردالی) تن می‌داد. قضات بر این باور بودند که ایزدان به کمک متهم بی‌گناه خواهند شتافت و چنین متهمی از آزمون‌های اوردالی روسپید بیرون خواهد آمد. به عنوان مثال در منشور حمورابی در مورد اتهام به جادوگری و زنا، محصنه سرنوشت دعوی را داوری ایزدی مشخص می‌کرده است. طبق ماده ۱۳۲ این منشور «هرگاه زن شوهرداری متهم به هم خوابگی با مردی اجنبی شود و لیکن شوهر او را با دیگری هم بستر ندیده باشد زن باید برای اثبات بی‌گناهی خود یک بار در نهر مقدس غوطه‌ور شود.<sup>۳۱</sup> در ایران باستان داوری ایزدی از طریق توسل به آیین‌های سی و سه گانه که خود به «ورگرم» و «ورسرد» تقسیم می‌شده مرسوم بوده است. در اورپای قرون وسطی نیز، به ویژه در عصر فرانک‌ها، اوردالی به عنوان یکی از ادله اثبات بزهکاری یا بی‌گناهی برخی متهمین متداول بوده و متهمی که موفق به ارائه دلیل کافی بر بی‌گناهی خود نمی‌شد در مواردی ناگزیر از تن دادن با آزمایش آهن تفته، شیره گیاهان سمی و امثال آن می‌گردید. توسل به این دلیل در سال ۱۲۱۵ به موجب تصمیم متخذه از سوی چهارمین شورای عالی کلیسا ممنوع اعلام شد.<sup>۳۲</sup> «در اورپا پس از تحریم اوردالی از سوی شورای عالی کلیسا در لاترن، دوئل یا پیکار تن به تن، به عنوان دلیل اثبات جرم متداول شد. این شیوه که با عرف و عادت خشونت بار

۲۸ - امیدی، جلیل، زمستان ۱۳۸۹، حقوق متهم در دادگاه یا تکیه بر اسناد بین المللی و منطقه‌ای مربوط به حقوق بشر، مجله کانون وکلان، شماره ۱۷، ص ۲۳

۲۹ - ذاکری، مهدی (۱۳۸۱) فراسوی توسعه قضایی، جلد دوم، چاپ نخست، انتشارات دفتر مطالعات و بررسی‌های اجتماعی قوه قضائیه، ص ۱۰۱

۳۰ - دانش، تاج‌زمان، «هجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟» تهران انتشارات کیهان، چاپ نهم، ج دوم، ص ۸۵

۳۱ - خالقی، علی (۱۳۹۳) نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ نخست، انتشارات شهردانش، ص ۱۲۴

۳۲ - حاجی تبار فیروز رجایی، حسن (۱۳۹۱) بزه دیده شناسی حمایتی افتراقی، انتشارات جنگل، چاپ اول، تهران، ص ۱۶۳



دوران فئودالی اورپا سازگار بود و در قرن ۱۳ میلادی عالی‌ترین دلیل محسوب می‌شد به علت تعارضی که با عقل سلیم داشت، به موجب فرامین ۱۲۵۴ و ۱۲۵۸ سن لویی پادشاه فرانسه غیرقانونی اعلام شد.<sup>۳۳</sup>

### نظام دادرسی تفتیشی

خاستگاه این شیوه دادرسی به امپراتوری روم سفلی باز می‌گردد که بعدها در آغاز قرن سیزدهم میلادی این روش به دادگاههای کلیسایی که برای محاکمه روحانیون کلیسا تشکیل می‌شدند نیز راه یافت و پس از آن در بسیاری از کشورهای اروپایی رایج شد. در این دوران «برداشت‌های جدیدی در موضوع جرم و مجازات مطرح گردید؛ جرم کمتر به عنوان لطمه به یک شهروند یا خانواده او شمرده شد تا به عنوان لطمه به نظامی که خواسته‌ی دولت بود. مجازات دیگر تنها لطمه وارده به قربانی نبود بلکه پیش از هر چیز خصوصیتی عمومی یافته و تفکر انتقام عمومی بر انتقام خصوصی غالب گردید. قدرتی عمومی برای شروع تعقیب و انجام تحقیقات لازم دانسته شد.<sup>۳۴</sup>

الف. ویژگی‌های نظام تفتیشی

ویژگی نخست، وجود مرجعی برای تقاضای تعقیب و تقاضای محاکمه متهم صرف‌نظر از شکایت یا عدم شکایت بزه دیده است. در این نظام دعوی از طرف نماینده دادسرا که عبارت از دادستان باشد، به نام جامعه برای حفظ نظم اجتماعی مطرح می‌گردد. در واقع «این نظام در دورانی شکل گرفته و رواج یافته است که مفهوم مجازات از جبران خسارت تفکیک شده و جامعه حقی مستقل از زیان دیده برای خود قائل شده است و به اتکا آن، تعقیب مرتکب را برعهده نماینده خویش قرار می‌دهد». وجود مقام قضایی برای تعقیب متهم از محاسن این نظام شمرده شده و از حقوق جامعه نیز به خوبی دفاع می‌کرد و جامعه برای محاکمه و مجازات مرتکب جرم ناگزیر به تماشای اقدام بزه دیده برای تقاضای تعقیب و محاکمه وی نبود.<sup>۳۵</sup>

ویژگی دوم، غیرعلنی بودن دادرسی بود. «نحوه دادرسی در این نظام اصولاً سری است. بنابراین اصل بر محرمانه بودن دادرسی است مگر در جایی که خود قاضی تشخیص دهد که دادرسی به صورت علنی برگزار شود». این ویژگی از معایب این نظام به شمار می‌آید زیرا «عدم حضور مردم در رسیدگی‌های کیفری و تشکیل دادگاه از قاضی و متهم، دست قضاوت رسیدگی کننده را در اتخاذ تصمیم به میل خود باز می‌گذارد».

ویژگی سوم، کتبی بودن دادرسی بود. یعنی از همان شروع به تحقیق و تعقیب، هر اقدام قضایی که در پرونده صورت می‌گیرد، باید به صورت مکتوب باشد. همچنین طرفین می‌توانستند، مطالب خود را به صورت مکتوب اظهار نمایند و پرونده‌ای برای نگهداری مکاتبات آنها و ضبط جریان رسیدگی تشکیل می‌شد.<sup>۳۶</sup>

ویژگی چهارم، غیر ترافیعی بودن رسیدگی بود. یعنی دادرسی به نبرد قضایی میان متهم و قاضی به عنوان نماینده جامعه تبدیل می‌شد. متهم از حقوق اندکی برای دفاع از خود برخوردار بود و نمی‌توانست از دلایل اتهام آگاه شده و آنها را مورد مناقشه قرار دهد و یا آزادانه دلایل خود را ارائه نماید. در مقابل، قاضی از اختیارات زیادی برخوردار بود تا از متهم اقرار بگیرد و

۳۳ - امیدی، جلیل، پاییز ۱۳۸۹، حقوق بشر در دعاوی کیفری بر اساس اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره ۴۹، ص ۸۹

۳۴ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۱) ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، چاپ دوم، ص ۸۷

۳۵ - آشوری، محمد (۱۳۹۳). آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات سمت، ج ۲۱، ص ۱۶۵

۳۶ - امیدی، جلیل، ۱۳۸۷، قواعد تفسیر قوانین جزایی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، پاییز شماره ۴۱، ص ۱۰۸

هر پرسشی را مطرح نماید. در مجموع «در این نظام اصل بر گناهکاری متهم بود مگر این که او قادر باشد خلاف آن را ثابت کند».<sup>۳۷</sup>

ب. ادله اثبات دعوی در نظام تفتیشی

نظام دادرسی تفتیشی مبتنی بر ادله قانونی است. روش ارزیابی ادله قانونی توسط قاضی وجود نداشت. قاضی باید بر مبنای ادله قانونی قضاوت کند و حق استناد به دلایلی که قانونگذار آنها را در شمار ادله احصا نکرده، ندارد. ادله اثبات دعوی در این نظام عبارتند بود از :

۱. اقرار متهم: در نظام تفتیشی اقرار متهم، مهمترین دلیل اثبات جرم محسوب می‌شد. اقرار، قاضی را از رسیدگی به سایر دلایل بی‌نیاز می‌کرد و او می‌توانست بدون دغدغه خاطر حکم محکومیت متهم را صادر نماید. ژوس - حقوقدان فرانسوی قبل از انقلاب ۱۷۸۹ - می‌نویسد: «آنگاه که شخصی به ارتکاب جنایتی متهم می‌گردد، هیچ‌کس بهتر از خود او نسبت به بی‌گناهی یا بزهکاریش آگاهی کامل ندارد. در نتیجه بین همه ادله‌ای که توان کشف حقیقت را دارند، دلیلی که از همه مهمتر و از هرگونه اشتباه نیز مصون است اقرار متهم است». تأثیری که اقرار در پایان بخشیدن به رسیدگی‌های کیفری داشت سبب شد که قضات رفته رفته برای اخذ اقرار به وسایلی متوسل گردیدند و بدین ترتیب متهمانی که از پاسخ دادن به پرسش‌های قضات امتناع می‌کردند با سیاست‌های کیفری مشدده روبرو می‌شدند.<sup>۳۸</sup>

۲. شهادت: در این نظام از گواهی که از مهمترین ادله اثبات جرم محسوب می‌شد استفاده سرشاری به عمل می‌آمد. شهادت دو مرد بدون توجه به تقوی و پاکدامنی آنان حتی برای صدور حکم اعدام کفایت می‌کرد. «حتی اگر این شهادت کاذب باشد قاضی باید به استناد آن رای صادر نماید و مسئولیتی از این جهت برعهده وی نبود. شهادت زنان قبل از قرن (۱۶) میلادی در اکثر کشورهای اروپایی پذیرفته نبود و دادگاه می‌توانست شهادت آنان را اماره‌ای بر اثبات ارتکاب جرم تلقی کند. با وجود این در دو جرم ارتداد و سوء قصد به جان پادشاه شهادت زنان و افراد نابالغ می‌توانست دلیل تلقی گردد.<sup>۳۹</sup>

### نظام دادرسی مختلط

سومین نظام دادرسی که درصدد تجمیع محاسن نظام اتهامی و تفتیشی و طرد معایب آنها بود نظام دادرسی مختلط بود که امروزه در بسیاری از کشورهای جهان معمول و رایج می‌باشد. ذیلاً به سابقه پیدایش این نظام و سپس به ویژگی‌های آن و جایگاه تحقیق کیفری در آن می‌پردازیم :

الف. سابقه پیدایش

از نظر تاریخی پیدایش نظام دادرسی مختلط مربوط به پس از انقلاب فرانسه می‌باشد. به همین جهت به آن سیستم دادرسی فرانسوی نیز می‌گویند. همان گونه که قبلاً بیان شد دادرسی اتهامی منافع جامعه را نادیده می‌گرفت و دادرسی تفتیشی حقوق و آزادی‌های متهم را تامین نمی‌کرد. در نتیجه حقوقدانان از روش‌های موجود دادرسی کیفری به شدت انتقاد می‌نمودند.<sup>۴۰</sup> نشر افکار و عقاید انتقادی حقوقدانان جزا به نوبه خود به تنویر افکار عمومی کمک کرد و در اذهان جامعه جای تردید باقی نگذاشت که روش‌های موجود دادرسی کیفری پاسخگوی نیازهای اجتماع نیست و اجرای صحیح عدالت کیفری را تامین نمی‌کند و لازم

۳۷ - حاتمی، علی اصغر، پاییز ۱۳۷۶ و بهار ۱۳۷۷، خسارات معنوی و شیوه‌های جبران آن در حقوق ایران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۲۵ و ۲۶، ص ۱۴۴

۳۸ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۹۱) ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ دوم، ص ۱۱۱

۳۹ - آشوری، محمد، (۱۳۹۳)، آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات سمت، ج ۲۱، ص ۳۶

۴۰ - پایایی، محمدعلی، افراسیابی، علی، بهار ۱۳۸۹، حق برخورداری متهم از وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۱۳، ص ۸۱

است هرچه زودتر برای تامین عدالت کیفری چاره اندیشی کرد. اغلب علمای حقوق جزای این دوران، اصلاح و تنقیح قوانین آیین دادرسی کیفری را موثرترین وسیله برای مبارزه با مجرمیت، اجرای صحیح مجازات، تامین آزادی‌های فردی و حفظ و صیانت مصالح اجتماعی معرفی می‌نمودند. جریان این موج عظیم فکری سبب شد که در بسیاری از کشورهای اورپایی اصلاح و تجدیدنظر در قوانین آیین دادرسی کیفری آغاز گردد و نظریه‌های علمی جدید وارد قلمرو قوانین دادرسی کیفری شود. برای احتراز از معایب نظام‌های دادرسی اتهامی و تفتیشی و در عین حال استفاده معقول از محاسن هر دو سیستم، به تدریج روشی بوجود آمد که از هر دو سیستم متأثر می‌باشد. بدین توضیح که جنبه‌های مثبت هر دو سیستم را دارا و از معایب آن عاری است. چون دانشمندان فرانسوی در ایجاد و نضج این سیستم مختلط نقش مهمی ایفا کرده‌اند و برای نخستین بار در این کشور به موقع اجرا گذاشته شده است این روش را سیستم دادرسی فرانسوی نیز می‌نامند.<sup>۴۱</sup>

ب. ویژگی‌های نظام دادرسی مختلط

در این نظام با تفکیک مرحله تحقیق و محاکمه، از ویژگی‌های مثبت هر یک از دو نظام پیشین، به تفکیک استفاده شده است. بدین ترتیب، در مرحله تحقیق که نیاز به سرعت و دقت در جمع‌آوری دلایل و جلوگیری از محو آثار جرم بیشتر وجود دارد از نظام تفتیشی پیروی شده و ویژگی‌های آن را دارد.<sup>۴۲</sup> در مقابل، پس از جمع‌آوری دلایل و در مرحله محاکمه در دادگاه از نظام اتهامی و ویژگی‌های خاص آن پیروی شده است. از این رو در مرحله نخست، مرجعی مستقل از بزه دیده به نمایندگی از جامعه امر تعقیب را برعهده دارد و اصولاً در این امر منتظر اقدام زیان‌دیده از جرم نمی‌ماند. اما در مرحله محاکمه، رسیدگی ترافعی و علنی است و شهروندان می‌توانند در جلسه محاکمه شرکت کرده، جریان دادرسی را از نزدیک مشاهده نمایند.<sup>۴۳</sup>

### نظام دادرسی اسلامی

در کتب فقهی، اصول دادرسی اسلامی یکجا و تحت عنوان خاصی نیامده است بلکه در خلال مقررات باب قضا و حدود و دیات و قصاص و تعزیرات می‌توان برخی قواعد آن را ملاحظه کرد. برخی از حقوقدانان معتقدند که تفاوتی میان دادرسی اسلامی و سیستم‌های دادرسی اتهامی، تفتیشی و مختلط وجود ندارد هرچند که در اعمال برخی از قواعد بین سیستم دادرسی اسلامی و سایر نظام‌های دادرسی تفاوت‌هایی وجود دارد. اما برخی دیگر معتقدند که هرچند که نظام دادرسی اسلامی دارای ویژگی‌های نظام اتهامی است اما این مطلب را نباید بر اقتباس یا سرمشق گرفتن حقوق اسلامی از قوانین و مقررات سایر ملل تلقی کرد، بلکه حقوقی است مستقل و قائم به ذات. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نظام دادرسی کیفری در کشورمان به تبعیت از حقوق فرانسه برپایه نظام دادرسی مختلط شکل گرفته بود. پس از واقعه فوق، با توجه به لزوم انطباق کلیه قوانین و مقررات کشور با موازین شرع و توجه ویژه به قوه قضائیه برای انطباق آن با نظام قضاء اسلامی، قوانین متعددی در زمینه سازمان قضایی مراجع بدوی و تجدیدنظر به تصویب رسید<sup>۴۴</sup>. یکی از دلایل کثرت قانونگذاری‌های گاه شتابزده در این دوران نیز، قصد قانونگذار برای سرعت بخشیدن به روند اسلامی نمودن دستگاه قضایی و انطباق آن با شیوه‌های دادرسی اسلامی بوده است.

۴۱ - آشوری، محمد (۱۳۹۲). عدالت کیفری: مجموعه مقالات. نشر دادگستر، ص ۸۸

۴۲ - امیدی، جلیل (۱۳۹۳). حقوق دفاعی منتهی، در علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، چاپ نخست، ص ۵۴

۴۳ - انصاری، ولی‌الله (۱۳۹۱). حقوق تحقیقات جنایی، تهران، انتشارات سمت، ج ۶، ص ۱۰۸

۴۴ - صادقی، هادی (۱۳۸۸). «حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)»، نشر میزان، تهران، چاپ نهم، ص ۲۵

## مبانی نظری و مروری بر نظریه ها و مکاتب

### تفهیم مکتوب و مستند در حق داشتن وکیل:

یکی دیگر از نوآوریهای قانون جدید در باب تفهیم حق داشتن وکیل به متهم می<sup>۴۵</sup> باشد که قانون سابق فاقد ترتیب مزبور بوده است. ماده ۵۲ قانون جدید مقرر داشته است که: هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند. متن این ماده مزبور بر اصل الزامی بودن شرکت وکیل متهم در کلیه مراحل دادرسی به عنوان یکی از تضمینات دفاعی متهم تاکید دارد، چنانچه به این مهم در قانون حاکم توجه نشده بود.<sup>۴۵</sup>

### حق متهم بر داشتن وکیل تسخیری:

یکی دیگر درخشان ترین دستاوردها و نوآوریهای قانون جدید در باب حق متهم بر داشتن وکیل تخصیص ماده ۱۹۰ قانون جدید است. این ماده موانع و نقایص موجود در ماده ۱۲۸ قانون سابق را رفع نموده است. ماده ۱۹۰ قانون جدید بر خلاف ماده ۱۲۸ قانون سابق می گوید در دادسرا متهم می تواند یک وکیل دادگستری با شرایط مندرج در این ماده همراه خود داشته باشد. این در حالی بود که در قانون سابق بر خلاف اصل قاعده تساوی سلاح ها عمل کرده بود و وکیل متهم را می پذیرفت ولی پرونده متهم را در اختیار وکیل قرار نمی داد. با این محدودیت وکیل می تواند با این محدودیت وکیل را رفع و ظاهراً به وکیل این اجازه را داده است که جز در موارد خاص بتواند در از وی دفاع کند. لذا ماده ۱۹۰ این محدودیت را رفع و ظاهراً به وکیل این اجازه را داده است که جز در موارد خاص بتواند در تحقیقات مقدماتی پرونده متهم را مطالعه نماید. چرا که در تحقیقات مقدماتی است که چهارچوب یک پرونده شکل می گیرد و دلایل جمع آوری و پرونده تکمیل می شود و در دادگاه قاضی بر این اساس راجب آن پرونده حکم صادر می کند. با توجه به اینکه بخش عمده پرونده های کیفری مربوط به این مرحله است اما نگاه قانونگذار این است که حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود و این موضوع در قانون حاکم معضلی بود که در قانون جدید رفع شده است.<sup>۴۶</sup>

همچنین در ماده ۱۹۰ قانون جدید حضور وکیل متهم در تحقیقات مقدماتی جنبه دفاعی و احقاق حق و رفع اتهام از متهم داشته و دیگر جنبه همراهی ندارد. تبصره ۱ ماده مذکور نیز بسیار درست و منطقی است که اگر به متهم حق داشتن وکیل را نکند یا سلب کند، هر تحقیقی انجام دهد بی اعتبار بوده و ارزش حقوقی ندارد. تاکنون در دادسرا چیزی به نام وکیل تسخیری نداشتیم. وکیل تسخیری فقط مخصوص دادگاه بود، حال آنکه دامنه وکیل تسخیری که قبلاً محدود به حبس ابد و اعدام در دادگاه بود به دادسرا نیز گسترش پیدا کرده است به نحوی که در تبصره ۲ ماده ۱۹۰ داشتن وکیل را در جرائم سالب حیات و حبس ابد لازم دانسته است. در قانون جدید حق متهم بر داشتن وکیل تسخیری در ماده ۳۴۸ پیش بینی شده است و در ماده ۳۴۷ بر حق داشتن وکیل معاضدتی برای متهم تاکید نموده است. این در حالی است که در قانون سابق فقط در بحث مدنی وکیل تسخیری و معاضدتی داشتیم. حال با تصویب قوانین جدید و رفع نقص قوانین حاکم در امور کیفری نیز این حق برای متهم استیفاء شده است. از سویی بحث وکیل تسخیری و معاضدتی در مواد ۳۸۵ و ۳۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری جدید نیز پیش بینی شده است که تعداد وکیل در دادگاه کیفری یک، حداکثر ۳ نفر می باشد. حق برگزیدن وکیل تعیینی و حق داشتن

۴۵ نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۹۲). زندان؛ درمانگاه بزهکار و بزهکاران؟ (دبیاجه)، در برنار بولک، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ سوم، تهران، انتشارات مجد، آبان، ص ۵۳

۴۶ غلامی، حسین، (۱۳۹۳). عدالت ترمیمی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، تهران، ص ۶۵۸

وکیل تسخیری و معاضدتی برای متهم بیانگر اهمیت نقش وکیل در تعیین سنوشت احقاق حقوق متهم در جامعه و اثر غیر قابل انکار آن در دادرسی منصفانه و مبنی بر عدالت می باشد، که قانون جدید به این مهم تاکید کرده است.<sup>۴۷</sup>

### بررسی ابهامات قانونی و خلاء های اجرایی حق داشتن وکیل برای متهم در قانون جدید

قوانین در طی گذشت زمان برای رفاه حال مردم جامعه و حفظ حقوق شهروندان دست خوش تغییر و تحول می شود. با وجود مثبت بودن نگاه قانونگذار و ارزشمند بودن تغییرات اساسی در رویکرد قانونی نسبت به حق متهم در داشتن وکیل چه تعیینی و چه تسخیری خالی از ابهامات و خلاء های قانونی و اجرایی نیست.<sup>۴۸</sup>

### ابهامات قانونی:

در تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی جدید محدودیت هایی لحاظ شده است که اگر شخصی به علت ارتکاب یکی از جرائم سازمان یافته و یا جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، سرقت مواد مخدر و روان گردان و یا جرائم موضوع بند های الف، ب، پ ماده ۳۰۲ تحت نظر قرار گرفت تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن امکان ملاقات با وکیل را نخواهد داشت. در این تبصره محدودیت متهم در حق برخورداری از وکیل دامنه شمول بسیاری از جرائم را در بر می گیرد.<sup>۴۹</sup> از سویی این جرائم از جرائم مهم هستند و نقش وکیل دادگستری نسبت به جرائم دیگر بیشتر احساس می شود همچنین در این تبصره مدت محدودیت نیز قید شده که متهم به مدت یک هفته حق ملاقات با وکیل را ندارد که به نظر می رسد مدت این محدودیت طولانی است. در ماده ۱۹۰ آیین دادرسی جدید آمده است که متهم می تواند یک وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد حال با ابهام موجود در این ماده که بسیاری از محدودیت های ماده ۱۲۸ قانون سابق را رفع نموده چه کنیم؟ با کمی دقت در این ماده پی خواهیم برد که بیان حق همراهی متهم توسط وکیل یا وکلای اوست یا اینکه به عدد یک توجه داشته است. اگر تصور کنیم قانونگذار در مقام بیان حق همراهی متهم مبنی بر داشتن وکیل یا وکلای وی باشد با ظاهر ماده که به عدد یک اشاره کرده در تعارض خواهد بود و اگر تصور کنیم که منظور قانونگذار آن است که متهم فقط حق داشتن یک وکیل را دارد با تعارض این ماده با مواد ۳۴۲، ۳۴۶ و ۳۸۵ قانون جدید که تاکید بر همراهی دو نفر وکیل با متهم به غیر از جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری یک دارد چه کنیم؟ حال اگر جمع بین این مواد را قائل باشیم و تصور کنیم که متهم حق داشتن بیش از یک وکیل را دارد با تعارض موجود در این ماده مبنی بر حق داشتن تنها یک وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی چه توجیهی خواهیم داشت؟

در تبصره یک این ماده قانونگذار در مقام بیان تکلیف تفهیم حق داشتن وکیل از سوی قاضی برای متهم است ولی در بیان ضمانت اجرایی در صورت تخلف مقام قضا کوتاهی کرده است. که شاید بتوان گفت از نگاه محمود آخوندی پدر علم آیین دادرسی کیفری قانون جدید در برابر بعضی اصلاحات پسندیده و ضروری نادرستی های آشکار و تعارضات غیر قابل دفاع و نابخشودنی فراوانی نیز دارد که کاستی ها و ابهامات قانونی فوق از این جمله اند.<sup>۵۰</sup>

۴۷- عزیزی، حشمت الله، (۱۳۹۲). بسترهای تاریخی عدالت ترمیمی در ایران، چاپ اول، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه، ص ۱۹۳

۴۸- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷) مبانی حقوق عمومی، چاپ سوم، بنیاد حقوقی میزان، ص ۶۹۵

۴۹- لازرو، کریستین (۱۳۹۲). درآمدی بر سیاست جنایی، چاپ چهارم، انتشارات میزان، ص ۳۸۴

۵۰- کاتوزیان، ایرج، (۱۳۸۵). بایسته های حقوقی جزایی عمومی، نشر میزان، چاپ سیزدهم، انتشارات میزان، ص ۱۸۳

**خلاء های اجرایی:**

به موجب ماده ۴۸ قانون جدید با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می تواند تقاضای حضور وکیل نماید. حق داشتن وکیل در مرحله مقدماتی برای متهم از سوی قانونگذار هرچند دستاوردی قابل ستایش و به نفع متهم است ولی در اجرای این ماده سوالاتی مطرح می شود که قانونگذار نه تنها از بعد ابهامات قانونی بلکه از بعد اجرایی نیز باید در این ماده بازنگری نموده و نواقص موجود را رفع نماید. از سویی در اجرای ماده ۱۹۰ با آنکه محدودیت های قانون سابق را رفع نموده اما در باب اجرایی با سوالاتی همراه است که اصلاح و بازنگری بطن ماده ۱۹۰ قانون جدید را از سوی قانونگذار الزامی می کند.<sup>۵۱</sup> از جمله سوالاتی که در اجرای این ماده مطرح می شود این است که اولاً: صرف مطلع نمودن متهم از حق داشتن وکیل توسط ضابط قضایی آیا او می تواند شروع به تحقیقات کند یا نه باید منتظر حضور وکیل متهم بماند؟ دوماً: اگر متهم ادعا کند که توان پرداخت حق الزحمه وکیل را ندارد، آیا نیاز به تحقیق در خصوص عدم توانایی مالی متهم است و در صورت عدم توانایی متهم می تواند درخواست وکیل معاضدتی کند یا خیر؟ سوماً: طریقه اثبات تفهیم حق داشتن وکیل برای متهم مهمترین سوال این ماده است زیرا اگر به متهم تفهیم نشود و برگه از پیش نوشته شده در اختیار او قرار دهند و متهم آن را بدون مطالعه امضاء کند یا بیسواد بوده و نتواند مطالب مندرج در پیش نویس را بخواند چگونه باید ثابت شود که تفهیم حق داشتن وکیل برای متهم از جانب مقام قضا انجام شده است؟<sup>۵۲</sup>

**حق برخورداری متهم از وکیل در تحقیقات مقدماتی**

در نظام دادرسی عادلانه، همان طور که شاکی باید از حقوق کامل برای پیگیری شکایت و احقاق حق خود برخوردار باشد، متشاکی یا متهم هم باید بتواند در برابر شکایت شاکی، به طور کامل از حق خود دفاع کند. در شکایت های عمومی هم که مدعی العموم یا دادستان، طرف شکایت متهم است، باز هم عدالت ایجاب می کند که متهم با برخورداری از حقوق لازم برای دفاع از خود، بتواند پاسخگوی اتهامات وارده باشد، اما آیا متهمی که در مظان اتهام قرار گرفته و گاهی به واسطه این اتهام بازداشت یا توقیف شده است، به تنهایی قادر به دفاع از حقوق خود هست؟ بدون شک یکی از ابزارهای مهم تضمین حقوق متهم در مراحل مختلف دادرسی، به خصوص مراحل مقدماتی دادرسی، حق برخورداری از وکیل است، اما این حق در نظام دادرسی کشور ما پیچیدگی ها و شرایط خاصی دارد که در هر مرحله از رسیدگی مقدماتی به دعوا، به صورت جداگانه قابل بررسی است.<sup>۵۳</sup>

**مرحله تحقیقات پلیسی**

با طرح شکایت نزد ضابط قضایی، رسیدگی به شکایت آغاز می شود. در دعاوی کیفری شکایت ممکن است کتبی و به موجب شکواییه یا شفاهی و در صورت جلسه باشد. با آغاز روند رسیدگی به شکایت و جلب متشاکی یا مظنون به جریان دادرسی، اولین حق مظنون یا متشاکی، تفهیم اتهام به وی است. با تفهیم اتهام به مظنون یا متشاکی، وی متهم بوده و از حقوق متهم در

۵۱- داوود، رنه و کامی زوفره، (۱۳۸۳) نظام های حقوقی معاصر، ترجمه حسین صفایی، چاپ اول، بنیاد حقوقی میزان، ص ۵۵۱

۵۲- لایپمن، مارین (۱۳۹۳)، عدالت ترمیمی از نظریه تا عملکرد، ترجمه رحمان صیوخی، چاپ نخست، انتشارات جنگل، ص ۲۲۸

۵۳- رایلت، مارتین و مایزماکسل (۱۳۸۲)، عدالت ترمیمی، (ارتقا بخشیدن به جلوه بزه دیده محوری)، ترجمه امیر سماواتی بیروز، نشر خلیلیان، ص ۸۲۵

جریان رسیدگی برخوردار است. اگر حق برخورداری از وکیل را در جریان دادرسی یکی از حقوق متهم بدانیم، آیا حضور وکیل در جریان تحقیقات پلیسی ضروری است؟<sup>۵۴</sup>

در اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به صورت مطلق بر حق برخورداری از وکیل در مرحله دادرسی تأکید شده است. اگر تحقیقات پلیسی یا قضایی از سوی ضابطان قضایی را نیز بخشی از دادرسی بدانیم، در این صورت حتماً حق برخورداری از وکیل، یکی از حقوق اساسی متهم در این مرحله خواهد بود، اما با وجود این نص قانونی، در ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ حق داشتن وکیل در تحقیقات مقدماتی دستخوش محدودیت‌هایی شد.

### مرحله تحقیقات مقدماتی قضایی

یکی از ویژگی‌های نظام قضایی ایران در مرحله رسیدگی مقدماتی به اتهامات کیفری، اصل محرمانه بودن رسیدگی است. دادسرا که به عنوان اولین مرجع قضایی، مأموریت رسیدگی به پرونده اتهامی را برعهده دارد، بر اساس این اصل، با توجیه جلوگیری از تبانی متهمان یا فرار سایر متهمان یا از بین رفتن ادله جرم، از افشای تحقیقات یا محتوای دلایل خودداری می‌کند و صرفاً به بازجویی و تحقیق از متهم می‌پردازد. در چنین شرایطی، گاهی دادسرا به وکیل متهم به عنوان یک عنصر خارجی و نامطلوب می‌نگرد که ممکن است در جریان رسیدگی اختلال ایجاد کند و بنابراین، دادسرا در برابر حضور وکیل در این مرحله مقاومت می‌کند.<sup>۵۵</sup>

### نتیجه‌گیری

از مجموع مطالب مطرح شده و توجه به مواد قانونی موجود در قانون آ.د.ک ایران و قانون آیین دادرسی کیفری حقوق بشر سازمان ملل متحد و اصلاحات اخیر آن و لایحه آ.د.ک که مراحل تصویب خود را پشت سر می‌گذارد نکات و موارد ذیل قابل استنتاج است:

۱- تشریفات قانونی و ضوابط مقرر در بحث تحت‌نظر در قانون حقوق بشر سازمان ملل متحد در مقایسه با قانون فعلی ایران بسیار گسترده است. چنین به نظر می‌رسد که قانون‌گذار ایرانی این مدت را نه به عنوان یک مرحله دادرسی کیفری، بلکه صرفاً در حد دوره زمانی حد فاصل دستگیری و معرفی نزد مقام قضایی دانسته و بدی دلیل ضرورتی به تعریف حقوق مشخص برای متهم در آن ندیده است. البته در رویه قضایی با تصمیم مقام قضایی فرد ممکن است برای مدتی بیش از ۲۴ ساعت، برای تکمیل تحقیقات نزد ضابطین قضایی نگهداری شود. در لایحه آ.د.ک تا حدودی ضوابطی مشخص برای این مرحله در نظر گرفته شده است.

۲- در حقوق بشر سازمان ملل متحد مدت نگهداری فرد، به صورت یک مرحله مهم در فرآیند دادرسی کیفری در نظر گرفته شده است. به منظور رعایت حقوق دفاعی وی و از طرفی ملاحظه منافع عمومی جامعه، قواعد و استثنائات متعددی در این مرحله تعیین گردیده است. اصلاحات قانونی ۱۴ آوریل ۲۰۱۱ که در این تحقیق بدان پرداخته شد گویای تحولات فراوان و نگاه ویژه مقنن حقوق بشر سازمان ملل متحدی به این مرحله از دادرسی کیفری است. گرایش قانون‌گذار به سمت اعمال

۵۴ مک‌رای، آلن و هوارد زهر، (۱۳۸۶). نشست‌های گروهی خانوادگی، ترجمه حسین غلامی، چاپ نخست، انتشارات مجد، ۴۹۲

۵۵ گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۵). بایسته‌های حقوقی جزایی عمومی، نشر میزان، چاپ سیزدهم، انتشارات میزان، ۴۷۸

محدودیت‌ها و استثنائات بیشتر در مقابل قواعد عمومی و مسلّم، همچون تمهیدهای استثنایی و مکرّر مدت نگهداری تحت نظر و محرومیت‌های موقت متهم از برخی حقوق، می‌تواند دلیلی بر گرایش امنیت محوری قانون‌گذار باشد. البته در کنار وضع استثنائات متعدد، قانون‌گذار فرانسوی سعی نموده تا با وضع تشریفات و تعیین قیود مشخص و محدودکننده، مانع سوء استفاده و تضییع حقوق متهم گردد.

۳- تدوین‌کنندگان لایحه آ.د.ک به خلأهای قانونی موجود در بحث تحت نظر در قانون فعلی آیین دادرسی کیفری توجه داشته و تلاش نموده‌اند تا با بهره‌گیری از نظام قانونی کشورهای مختلف از جمله حقوق بشر سازمان ملل متحد آن را برطرف نمایند. مطالعه و تطبیق مواد مرتبط (که در واقع می‌توان گفت جمعاً ۶ ماده به طور مستقیم به این موضوع اختصاص یافته)، مؤید این مطلب است که جزییات فراوانی از جمله در مدت حداقل و حداکثر نگهداری تحت نظر و برخی حقوق متهم در این مدت و استثنائاتی که نسبت به پاره‌ای از این حقوق وضع گردیده مغفول مانده است.

پژوهش حاکی از این است که حقوق بشر سازمان ملل متحد که اساساً حقوقی جهانی اند، بیشترین تقارب را با حق ادعاها دارند علاوه بر این چهار ارتباط یاد شده بحث مفهومی از حق به شیوه‌ای دیگر نیز مورد توجه و مذاکره نظری متفکرین قرار گرفته است. یکی از مهمترین ارکان حقوق بشر سازمان ملل متحد که در ارتباط با اصل برائت بایستی مورد توجه قرار گیرد، بحث کشف جرم می‌باشد این بحث تشریفات را که بایستی موقع تحقیق و کشف جرم مورد رعایت قرار گیرد مورد بیان قرار داده است و دادستان و مقامات تحقیق و کشف جرم ملزم به رعایت آنها هستند. بر اساس بند ۱ ماده ۲-۵۴ حقوق بشر سازمان ملل متحد «۱- دادستان باید: الف - به منظور کشف واقع، به هنگام تحقیق تمامی وقایع و ادله مربوط را در نظر بگیرد، به نحوی که بتواند مشخص کند که آیا اساساً مسئولیت کیفری موضوع مقررات حقوق کیفری تحقق یافته است یا خیر و اگر پاسخ مثبت است اوضاع و احوال و قرائن له و علیه متهمین را بی طرفانه مورد تحقیق قرار دهد. ب - حقوق اشخاص را که ناشی از مقررات حقوق کیفری است محترم شمارد. اگرچه عملاً اغلب تحقیقات نظیر بازجویی، بازرسی، توقیف اموال و اقدامات مشابه آن به موجب قوانین ملی کشور مورد تقاضا انجام می‌گیرد ولی حقوق بشر سازمان ملل متحد حقوق افراد را در جریان تحقیقات، مورد حمایت‌های خاصی قرار داده است. درواقع حقوق بشر سازمان ملل متحد تقریباً فرض را بر این می‌گذارد که نظام‌های قضایی ملی برای تأمین حقوق افراد در این زمینه ناکافی و غیر قابل اعتماد می‌باشند. مقررات مندرج در حقوق بشر سازمان ملل متحد استانداردهای بالا و مدل بهتری را در مقایسه با نظام‌های ملی مقرر می‌کند. به موجب ماده ۵۵ حقوق کیفری بشر سازمان ملل متحد، در جریان تحقیق، اشخاص نباید تحت اجبار، اکراه، تهدید و یا شکنجه و یا هر نحو دیگری از رفتار ظالمانه، غیر انسانی و یا تحقیر آمیز یا مجازات تأدیبی قرار گیرند، باید از مساعدت رایگان یک مترجم توانا بهره مند شوند. نباید خودسرانه و بلاجهت دستگیر و بازداشت شوند و بایستی آزادی آن‌ها سلب گردد، مگر مطابق جهات و ترتیباتی که در حقوق بشر سازمان ملل متحد مقرر است. یک فرد مظنون به ارتکاب یکی از جرایم تحت صلاحیت دیوان حق دارد تا پیش از بازجویی از سایر حقوق خاص خود مطلع شود. به هر حال حقوق بشر سازمان ملل متحد بطور صریح در ماده ۲-۶۶ اصل را بر بی‌گناهی اشخاص دانسته است و افراد تا زمانی که اتهام آنان بر طبق حقوق قابل اجرا در دیوان اثبات نشود، بی‌گناهی محسوب می‌شوند و بایستی مثل شهروندان بی‌گناه با آنها برخورد شود مورد دیگر از نتایج این است که در حقوق کیفری بشر سازمان ملل متحد حقوق متهم در حین بازجویی به وی گفته شده یا به عبارتی فرد در حین بازجویی نسبت به حقوق خود آگاهی کامل دارد که این کار با حقوق کیفری ایران مغایرت دارد.



همین طور نتایج نشان داد بررسی ضمانت اجرایی که قانون برای حقوق دفاعی متهم برای برخورد با آن ها پیش‌بینی کرده است، شایان توجه است. در قانون، سعی شده که ضمانت اجرایی متناسب با اشخاص حقوقی برای برخورد با آن ها استفاده شود. در حقوق ایران همچون حقوق کیفری بشر سازمان ملل متحد مجازات‌هایی چون انحلال، مصادره، جزای نقدی، انتشار حکم، دپه، محرومیت‌های اجتماعی و اقتصادی مثل ممنوعیت از فعالیت‌های شغلی، ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه و ممنوعیت از اصدار اسناد تجاری که در ماده‌ی ۲۰ و تبصره‌ی ماده‌ی ۱۴ ذکر شده‌اند، مجموعه مجازات‌هایی هستند که با مجازات‌های معمول برای اشخاص حقیقی، تفاوت نسبی دارند. این مجازات‌ها از تنوع نسبی نیز برخوردارند؛ لکن آنچه قابل ایراد است، آنکه، جزئیات و شرایط اجرای هر کدام از این مجازات‌ها مشخص نیست و به عبارتی دیگر در بسیاری از موارد چگونگی اجرای این مجازات‌ها با ابهام مواجه است. اگر قانونگذار به صورت دقیق و مفصل این جزئیات را مشخص می‌کرد و یا با الزام تصویب آیین‌نامه اجرایی این مجازات‌ها، این امکان را فراهم می‌آورد، بهتر بود.

### پیشنهادات

۱. پیشنهاد می‌شود به منظور رعایت حقوق دفاعی متهم و از طرفی ملاحظه منافع عمومی جامعه، قواعد و استثنائات متعددی در این زمینه با تاکید بر شرع مقدس تعیین گردیده است.
۲. فراهم آمدن شرایط اجرای تحقیقات مرتبط با مباشرت یا شرکت فرد در جرم ارتكابی باتوجه به اهمیت این مساله در حقوق حقوق بشر سازمان ملل متحد
۳. پیشنهاد می‌شود تضمین حضور شخص نزد دادستان به گونه‌ای که قاضی بتواند استمرار تحقیقات را ارزیابی نماید.
۴. ممانعت از تغییرات در دلایل یا شواهد عینی موجود همانند حقوق حقوق بشر سازمان ملل متحد
۵. ممانعت از اعمال فشار مرتکب بر شهود، قربانیان و همچنین خانواده یا نزدیکان ایشان
۶. ممانعت از تبانی فرد با سایر مظنونان به عنوان معاونان یا شرکای جرم
۷. تضمین تحقق اقدامات و تدابیر طراحی شده جهت توقف جنایت یا جنحه» با تاکید بر حقوق حقوق بشر سازمان ملل متحد بدین‌سان، در خاتمه‌ی بحث و به عنوان تکمله‌ی پژوهش رویکرد عقلایی به نظام ضمانت اجرای کیفری در ایران و حقوق بشر سازمان ملل متحد به نظر می‌رسد پیشنهادات زیر جهت تکامل سیاست جنایی نسبت به مجازات‌ها مورد نظر است:
۸. پرهیز از تطور گرایی در سیاست جنایی تقنینی اتخاذی نسبت به جرائم و انحرافات جامعه‌ی؛ چراکه تغییر و تحول مکرر مجازات‌ها، به معنای اتخاذ تدابیر عقلانیت محور گونه نسبت جرائم محسوب نمی‌شود و چه بسا با اقدامات عوام‌زده در پهنه‌ی ضمانت اجرای کیفری موجبات عدول از شاخصه‌های عقلانیت محوری؛ نظیر عدم تناسب مجازات، القای آموزه‌های خشونت محوری و ناملایمتی در اعمال مجازات و بی‌توجهی نسبت به جبران خسارت بزه دیده فراهم گردد.
۹. بهره‌گیری از نتایج پژوهش‌های میدانی و نظری (نظریاتی که سنجش کارایی، اثربخش بودن آن مورد تأیید قرار گرفته باشد) جامعه شناسان، روان شناسان و جرم شناسان، نسبت به میزان اثربخشی مجازات‌های اتخاذی نسبت به جرائم مورد پژوهش.

۱۰. توجه به مقتضیات زمان و مکان نسبت به تعیین مجازات‌ها، از یک‌سو و توجه به اهداف شریعت (مقاصد شریعت) از سوی دیگر. مگر می‌توان گفت فقه نسبت به احکام اجاره‌ی رحم، خود را به اقتضای زمان تغییر داده است، اما نسبت به مجازات‌ها که به مراتب مهمتر از مباحث حقوق مدنی است قابلیت انعطاف با مقتضیات زمان را ندارد؟! به عبارت دیگر، مگر می‌توان مدعی شد مصلحت جان و تمامیت جسمانی نسبت به مصالح مدنی و جامعه‌ی از اهمیت کمتری برخوردار است؟!

۱۱. توسل به پاسخ‌های انطباقی مدرنیسم؛ ازجمله راهبردهای مسئول سازی بزهکاران در راستای جبران خسارت از بزه دیدگان.

۱۲. اینجانب حقوق متهم را که یکی از طرفین دعواست در قانون آیین دادرسی کیفری مورد بحث قرار داده‌ایم و به حقوق او در مراحل مختلف پرداخته شده است جا دارد کسانی که مایل تحقیق و پژوهش هستند حق و حقوق شاکی، بزه دیده که طرف دیگر دعوا قرار دارند را با رویکرد قانون جدید مورد بررسی قرار دهند که آیا به حقوق آنان در قانون آیین دادرسی کیفری جدید هم پرداخته شده و آیا نوآوری‌هایی در این زمینه صورت گرفته است.

۱۳. از طرف دیگر پژوهش این‌جانب با بررسی و شروع رفتار مجرمانه و تا زمان صدور حکم قطعی متهم، مورد بررسی قرار داده است جا دارد کسانی که مایل به پژوهش و تحقیق در این زمینه هستند از مرحله تجدید نظر که حکم قطعی صادر می‌شود و دیگر عبارت متهم به مجرم و محکوم علیه تبدیل می‌شود بررسی شود که آیا در قانون جدید راجع به مجرم در مرحله اجرای حکم و نوآوری انجام شده، و آیا نسبت با قانون سابق تغییراتی در این زمینه صورت گرفته است؟

## منابع و مأخذ

قران کریم

۱. امید، جلیل، ۱۳۸۷، قواعد تفسیر قوانین جزایی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، پاییز شماره ۴۱، ص ۶۵.
۲. امید، جلیل، پاییز ۱۳۸۹، حقوق بشر در دعاوی کیفری بر اساس اسناد بین المللی و منطقه ای، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره ۴۹، ص ۱۲.
۳. امید، جلیل، پاییز ۱۳۸۹، حقوق بشر در دعاوی کیفری بر اساس اسناد بین المللی و منطقه ای، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره ۴۹، ص ۸۹.
۴. امید، جلیل، زمستان ۱۳۸۹، حقوق متهم در دادگاه با تکیه بر اسناد بین المللی و منطقه ای مربوط به حقوق بشر، مجله کانون وکلا، شماره ۱۷۱، ص ۷۷.
۵. امید، جلیل، (۱۳۹۳)، حقوق دفاعی متهم، در علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، چاپ نخست.
۶. انصاری، ولی الله، (۱۳۹۱) حقوق تحقیقات جنایی، تهران، انتشارات سمت، ج ۶، ص ۱۰۸.
۷. آخوندی، محمود (۱۳۹۴)، آیین دادرسی کیفری (اندیشه ها)، جلد ۴، چاپ ۱، تهران: انتشارات مجد.
۸. آشوری، محمد، (۱۳۸۹) «عدالت کیفری از دیدگاه حمورابی»، تهران، نشریه مؤسسه تطبیقی. ج نهم.
۹. آشوری، محمد. (۱۳۹۳). آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات سمت، ج ۲۱.
۱۰. بابایی، محمدعلی، افراسیابی، علی، بهار ۱۳۸۹، حق برخورداری متهم از وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی، مجله آموزه های حقوق کیفری، شماره ۱۳، ص ۳۲.
۱۱. بابایی، محمدعلی، افراسیابی، علی، بهار ۱۳۸۹، حق برخورداری متهم از وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی، مجله آموزه های حقوق کیفری، شماره ۱۳، ص ۸۱.
۱۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۹۱) ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ دوم.
۱۳. حاتمی، علی اصغر، پاییز ۱۳۷۶ و بهار ۱۳۷۷، خسارات معنوی و شیوه های جبران آن در حقوق ایران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۲۵ و ۲۶، ص ۱۷۴.
۱۴. حاجی تبار فیروز رجائی، حسن، (۱۳۹۱) بزه دیده شناسی حمایتی افتراقی، انتشارات جنگل، چاپ اول، تهران.
۱۵. خالقی، علی، (۱۳۹۳) نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ نخست، انتشارات شهردانش.
۱۶. دانش، تاج‌زمان، (۱۳۸۷)، «مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟» تهران انتشارات کیهان، چاپ نهم، ج دوم.
۱۷. داوید، رنه و کامی ژوفره، (۱۳۸۳) نظام های حقوقی معاصر، ترجمه حسین صفایی، چاپ اول، بنیاد حقوقی میزان.
۱۸. ذاکری، مهدی، (۱۳۸۱) فراسوی توسعه قضایی، جلد دوم، چاپ نخست، انتشارات دفتر مطالعات و بررسی های اجتماعی قوه قضائیه.
۱۹. رایت، مارتین و مایز، مایکل (۱۳۸۴)، عدالت ترمیمی، (ارتقا بخشیدن به جلوه بزه دیده محوری)، ترجمه امیر سماواتی پیروز، نشر خلیلیان.
۲۰. سرکشکیان، سید محمدحسین و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸)، عدم تفاهم سازمانی در طرح امنیت اجتماعی: از مجموعه مقالات کارگروه رویکرد چند نهادی به پیشگیری از جرم، معاونت آموزشی ناجا.

۲۱. شمس ناتری، محمد ابراهیم، (۱۳۹۳)، اصل برائت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران: سمت.
۲۲. شمس ناتری، محمد ابراهیم (۱۳۹۳)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.
۲۳. شیخ الاسلامی، عباس و جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۰) جایگاه یافته های جرم شناسی در تحولات نظام تقنینی کیفری ایران: از علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد آشوری)، چاپ ۴، تهران: انتشارات سمت.
۲۴. شیری، عباس، (۱۳۸۵). فرآیند عدالت ترمیمی، مطالعات پیشگیری از جرم، چاپ اول، تهران.
۲۵. صادقی، هادی، (۱۳۸۸)، «حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)»، نشر میزان، تهران، چاپ نهم.
۲۶. عزیزی، حشمت الله، (۱۳۹۲). بسترهای تاریخی عدالت ترمیمی در ایران، چاپ اول، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه.
۲۷. غلامی، حسین، (۱۳۹۳). عدالت ترمیمی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، تهران.
۲۸. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷) مبانی حقوق عمومی، چاپ سوم، بنیاد حقوقی میزان.
۲۹. گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۵). بایسته های حقوقی جزائی عمومی، نشر میزان، چاپ سیزدهم، انتشارات میزان.
۳۰. لازرژ، کریستین (۱۳۹۲). درآمدی بر سیاست جنایی، چاپ چهارم، انتشارات میزان.
۳۱. لایمن، مارین، (۱۳۹۳). عدالت ترمیمی از نظریه تا عملکرد، ترجمه رحمان صبوحی، چاپ نخست، انتشارات جنگل.
۳۲. مک رای، آلن و هوارد زهر، (۱۳۸۶). نشست های گروهی خانوادگی، ترجمه حسین غلامی، چاپ نخست، انتشارات مجد.
۳۳. نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۹۲). زندان ؛ درمانگاه بزهکار و بزهکاران؟ (دیباجه)، در برنار بولک، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ سوم: تهران، انتشارات مجد، آبان .
۳۴. نوربها، رضا (۱۳۸۳). حقوق جزایی و عدالت کیفری، علوم جنایی (مجموعه مقالات...)، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.
۳۵. هاشمی، سید محمد (۱۳۹۲)، حقوق بشر و آزادی های اساسی، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
۳۶. یوسفی، مراغه، مهدی، (۱۳۹۱) خدمات رسانی به بزه دیدگان، تهران، چ اول، انتشارات جاودانه، جنگل.